

مؤسسه تعلیم تقدیم می کند: TALIM Ministries

مجله شبان

شماره ۳۲، سال پنجم، ژوئیه (جولای) ۲۰۰۵
مجله دو-ماهه مخصوص شبانان و خادمین،
به منظور تشویق، تعلیم، و تجهیز ایشان

شبان

از کشیش نت استیوآرت :

”همچنین نان را برگرفته، شکر کرد و پاره نمود و به آنها داد و گفت: ”این است بدن من که برای شما داده می‌شود؛ این را به یاد من بجا آرید“ (لوقا ۲۲: ۱۹؛ نقل قول‌ها از ترجمه هزار نو می‌باشد).

بخشی مهم از پرستش

بخش بسیار مهمی از پرستش مسیحی، اجرای درست آیین‌های مقدس است. گرچه فرقه‌های مختلف ادراکات متفاوتی دارند در این خصوص که در طول اجرای آیین عشاء ربانی چه اتفاقی رخ می‌دهد، اما همه مسیحیان اعتقاد دارند که خود عیسی این آیین را بنیاد نهاد و از کلیسا می‌خواهد که آن را وفادارانه بجا آرند. عشاء ربانی باید بخشی مرتب از پرستش باشد و آنانی که مسؤول برگزاری آن هستند، باید بسیار مراقب باشند تا آن را مطابق حکم کتاب مقدس بجا بیاورند. بسیار اساسی است که همه شبانان با هشدارهای پولس رسول به کلیسای قرن‌تس در خصوص کاربرد نادرست عشاء ربانی بخوبی آشنا باشند (اول قرن‌تس ۱۱: ۱۷-۳۴). در اینجا پولس رهبران کلیسا را سرزنش می‌کند که شام خداوند را حفظ نمی‌کنند و به مردم تعلیم نمی‌دهند که چطور بطرزی شایسته به میز خداوند نزدیک شوند. در این مقاله، خواهم کوشید تعلیم کتاب مقدس در باره شام خداوند و نحوه برگزاری درست آن را بررسی کنم.

وسیله‌ای برای انتقال فیض

عشاء ربانی یک آیین مقدس است و مقرر شده تا وسیله‌ای باشد تا قوم خدا حضور و فیض او را تجربه کنند. البته وسایل دیگری نیز برای انتقال فیض وجود دارد، نظیر کلام خدا و دعا، اما خداوند عیسی عشاء ربانی را بنیاد نهاد تا روشی قابل رؤیت و ملموس باشد برای به یاد آوردن مرگ و کفاره او. عشاء ربانی دارای نشانه‌هایی بیرونی و قابل رؤیت، یعنی نان و شراب است. اما اینها به تنهایی کافی نیستند مگر آنکه این آیین با موعظه کلام و کار درونی روح القدس همراه باشد. فقط در این صورت است که این آیین مقدس ثمره توبه و مشارکت با مسیح را در زندگی شرکت‌کننده پدید می‌آورد. آنانی که این آیین را برگزار می‌کنند، باید به جماعت خود کمک کنند تا درک کنند که چه اموری را باید به یاد آورند. این امور بشرح زیر است:

۱- شام خداوند یادآور تاریخت مرگ نیابتی خداوند بر صلیب می‌باشد. ”زیرا هر گاه این نان را بخورید و از این جام بنوشید، مرگ خداوند را اعلام می‌کنید تا زمانی که باز آید“ (اول قرن‌تس ۱۱: ۲۶).

۲- شام خداوند یادآور این واقعیت است که وقتی ایماندار با ایمان نزد مسیح می‌آید، برای حیاتی جدید می‌میرد و قیام می‌کند؛ به این ترتیب، او به زندگی مبتنی بر اطاعت فرا خوانده می‌شود. ”پس با تعمید یافتن در مرگ، با او دفن شدیم تا... ما نیز در زندگی نوینی گام بر داریم“ (رومیان ۶: ۴).

۳- شام خداوند فرصتی است تا ایمانداران به گناهایی که در حق خدا و دیگران انجام داده‌اند اعتراف کنند و از راه توبه، از گناهان خود بازگشت کنند و بار دیگر، با رابطه‌ای جدید نزد مسیح آیند. ”پس توبه کنید و بسوی خدا باز گردید تا گناهانتان پاک شود و ایام استراحت از حضور خداوند برایتان فرا رسد“ (اعمال ۳: ۱۹). در شام خداوند، فرا خوانده می‌شویم تا در وعده‌های او شادی کنیم و حضور او را تجربه نماییم زیرا می‌توانیم بار دیگر فیض حیرت‌انگیز او و مباحثی را که نسبت به هر یک از ما دارد بچشیم.

چه کسانی می‌توانند در عشاء ربانی شرکت کنند؟

وظیفه مهم کسی که عشاء ربانی را برگزار می‌کند این است که روشن سازد چه کسانی می‌توانند در آن شرکت جویند. نخست، امتیاز نزدیک شدن به شام خداوند انحصاراً از آن ایمانداران است. بسیار مفید خواهد بود که در جماعت خود این خطمشی را تعیین کنید که شخص پیش از آنکه مجاز به شراکت در شکستن نان گردد، باید ایمانداری تعمیدیافته باشد. من اغلب این نکته را برای بی‌ایمانان تشریح می‌کنم و می‌گویم که آنانی که به این آیین نزدیک می‌شوند، باید ایمان داشته باشند که عیسی پسر خدا و یگانه منجی بشریت است و باید علناً اعلام دارند که از آن اویند.

دوم، کسانی که مایل به شرکت در شام خداوند هستند باید از شبان خود تعلیم کتاب‌مقدس را در این زمینه دریافت دارند، و خود را تفتیش کرده، به گناهان خود اعتراف کنند و از آنها توبه نمایند.

سوم، کودکان نباید مجاز به شرکت در شام خداوند باشند مگر آنکه والدینشان ایماندار باشند و ایشان فرزندان خود را بسوی مسیح هدایت کرده و آنان را کاملاً آماده کرده باشند. اگر کودکان از والدین خود آمادگی لازم را دریافت کرده باشند، باید در طول پرستش در کنار والدینشان بنشینند.

این شدیداً باعث ننگ خداوند است که آیین عشاء ربانی با بی‌انضباطی اجرا می‌شود، طوری که بی‌ایمانان و کودکان عناصر شام خداوند را بدون درک واقعی معنای آن دریافت می‌دارند.

چگونه کلیسا را برای شام خداوند آماده سازیم؟

پری استون در کتاب کوچک خود به نام "خوراکی که شفا می‌بخشد" خلاصه‌وار نحوه آمادگی برای شرکت در شام خداوند را بیان داشته است. وی گامهایی را ذکر می‌کند که باید پیش از شرکت در این آیین مقدس برداشته شود. این گامها بشرح زیر است:

به درون خود نگاه کنیم

از خدا بخواهید که دلتان را تفتیش کند. پولس چنین هشدار می‌دهد: "هر کس پیش از آنکه از نان بخورد و از جام بنوشد، خود را بیازماید" (اول قرنتیان ۱۱: ۲۸). بخش مهمی از تفتیش خویشتن این است که از خدا بخواهیم او نیز دل ما را تفتیش کند (مزمور ۱۳۹: ۲۳-۲۴). به یاد دارم که در ایران وقتی برنج می‌خریدیم، می‌بایست آن را روی ظرفی پخش می‌کردیم و آشخالها را یک به یک از آن بیرون می‌کشیدیم. چه فکر زیبایی است که ما نیز سفره دل خود را در حضور خدای روح‌القدس پهن کنیم تا هر ناپاکی را که مانع پرستش ما در روح و راستی می‌شود، بردارد.

به بیرون از خود نگاه کنیم

لحظه‌ای مکث کنید تا به روابط خود با دیگران بنگرید. از خدا بخواهید نشان دهد که آیا نیاز دارید با کسی مصالحه کنید یا نه (متی ۵: ۲۳-۲۴). شاید لازم باشد پیش از شرکت در شام خداوند کسی را ببخشید یا از کسی عذرخواهی کنید. اخیراً در جلسه‌ای نشسته بودم و در سکوت دل خود را برای برگزاری آیین عشاء ربانی آماده می‌کردم؛ خانمی آمد و بخاطر تلخی‌ای که در دلش نسبت به من داشت، از من عذرخواهی کرد. من متوجه نشده بودم که او را آزرده بودم. هر دو با چشمانی اشک‌آلود در برابر میز شام خداوند با یکدیگر مصالحه کردیم. یکی از برکات شام خداوند این است که فرصتی می‌دهد تا با یکدیگر مصالحه کنیم.

به بالا نگاه کنیم

وقتی دل خود را آماده می‌سازیم، مهم است که به آسمان نگاه کنیم، به آنجا که مسیح نشسته است. در عبرانیان ۱: ۳ چنین می‌خوانیم: "او پس از پاک کردن گناهان، به دست راست مقام کبریا در عرش برین بنشست." فدیة ما تکمیل شده و در مسیح عیسی هیچ محکومیتی برای ما وجود ندارد. وقتی در نان و شراب شراکت می‌جوئیم، چه زیبا است که در فدیة کامل‌شده او بیاساییم.

به جلو نگاه کنیم

در برابر میز عشاء ربانی، به آینده خود در مسیح می‌نگریم. پطرس رسول چنین می‌فرماید: "سپاس بر خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح که از رحمت عظیم خود، ما را به واسطه رستخیز عیسی مسیح از مردگان، تولدی تازه بخشید برای امیدی زنده" (اول پطرس ۱: ۳). امید ما به حیات جاویدان است، و نیز به تقدیس ما، و به این یقین که رنجهای زمان حاضر همگی برای جلال او به‌کار خواهد رفت. امید ما به بازگشت خداوند است زیرا او فرمود: "تا آمدن پادشاهی خدا، دیگر از محصول مو نخواهم نوشید" (لوقا ۲۲: ۱۸).

چگونه شام خداوند را برگزار کنیم

عشاء ربانی باید در چارچوب جلسه عمومی پرستشی برگزار شود، جایی که پرستش و موعظه کلام صورت گرفته باشد. در اینجا ترتیب پیشنهادی زیر را ارائه می‌دهیم:

- دعوت به شام خداوند
- قرائت: اول قرنتیان ۱۱: ۲۳-۲۶
- دعا برای تقدیس نان و شراب
- تقسیم نان و بعد شراب
- دعای شکرگزاری

امید است این مقاله باعث روشنتر شدن تعلیم کتاب مقدس در زمینه این امر مقدس شده باشد.

دعوت به تشخیص

(بخش اول)

کشیش نت استیوآرت

”ای عزیزان، هر روحی را باور مکنید، بلکه آنها را بیازمایید که آیا از خدا هستند یا نه. زیرا انبیای دروغین بسیار به دنیا بیرون رفته‌اند“ (اول یوحنا ۴: ۱؛ هزاره نو).

کلیسا در تمام دوران‌ها از سوی آنانی که تعالیم و روشهای دروغ را در پیش می‌گیرند، تحت حمله بوده است. یکی از دلایل برای این امر این است که اغلب اوقات، مسیحیان قادر نیستند حقایق کتابمقدس را تشخیص دهند. روشن است که یوحنا رسول در روزگار خود با اشخاص بسیاری روبرو بود که به روح‌های دروغگو باور داشتند، روح‌هایی که با حقایق الهی مخالفت می‌کردند. امروزه کلیسا با همین مشکل مواجه است. در کتابمقدس، تشخیص یا تمیز به منزله توانایی جداسازی حقیقت از نادرستی و اشتباه است. در عهدعتیق، تشخیص به معنی توانایی جدا کردن امور از یکدیگر در مواردی بود که مسائل با هم اختلاف داشتند و می‌بایست میان آنها تشخیص و تمیز داد. در عهدجدید، تشخیص یا ”تمیز“ به معنی ”جدا کردن“ می‌باشد، یعنی اینکه شخص قادر باشد میان راستی و ناراستی تمایز و تفاوت قائل شود و مطابق آن دست به قضاوت و تصمیم‌گیری بزند. وقتی کلیسا قادر به تشخیص راستی از ناراستی نباشد، متحمل خسران شده، قدرت خود را برای تأثیرگذاری بر جهان از دست می‌دهد.

عرصه تعالیم

ناراستی چهره خود را به طریق‌های گوناگون در کلیسا نمایان می‌سازد. نخستین عرصه نگرانی برای همه خادمین خداوند، عرصه تعالیم یا آموزه‌ها است. کلیسای نخستین مدت‌های مدید و به‌سختی کوشید تا اعتقاداته‌های تاریخی را به ما بدهد که هنوز نیز راهنمای بسیار خوبی برای درک ما از کتابمقدس می‌باشند (نظیر اعتقادنامه رسولان، اعتقادنامه وستمنستر و غیره). مورخان کلیسا این تعالیم نادرست را که در کلیسا سر بر آورده‌اند، ”بدعت“ می‌خوانند. آنانی که تاریخ کلیسا را بررسی کرده‌اند، خاطرنشان می‌سازند که هیچیک از بدعت‌های امروزی تازگی ندارد؛ در روزگار ما خیلی راحت می‌توان اینگونه بدعت‌ها را در کلیساهای خودمان مشاهده کرد. اگر صاحب تشخیص روحانی باشید، می‌توانید در اطراف خود، بدعت‌های قرون اول را در زمینه انکار الوهیت مسیح ملاحظه کنید. همینطور شاهد اشکال مختلف نیل به نجات از طریق اعمال بوده‌ایم و دیدگاه‌های غیرکتابمقدسی در خصوص تعلیم تقدیس را دیده‌ایم. سی. فیتزسایمونز آلیسن در کتاب مفید و مؤثر خود بنام ”بی‌رحمی بدعت“، علت وجود بدعت‌ها را چنین توضیح می‌دهد: ”دل انسان کارخانه‌بت‌سازی است.“

سپس در ادامه می‌نویسد: ”هر بدعتی به طریق خاص خود، ضعفی را در طبیعت انسانی بر می‌انگیزد.“ او می‌نویسد: ”بدعت خطای درک نیست، بلکه خطای اراده است.“ دل رام‌نشده انسان دائماً در صدد این است که کلام خدا را به‌گونه‌ای تغییر دهد که با جاه‌طلبی‌های گناه‌آلود خودش سازگار گردد. مشکل این است که باورها عواقبی در بر دارند و آنانی که بدون تفکر، باور اشتباهی را ترویج می‌کنند، درگیر کار بی‌رحمانه‌ای می‌شوند، خواه این امر در اثر ناآگاهی باشد، خواه در اثر جاه‌طلبی. علت این بی‌رحمی این است که باورهای نادرست در مورد خدا، امیدهایی نادرست را پدید می‌آورد؛ و وقتی این امیدها برآورده نشد، مردم با خشم از خدا رویگردان می‌شوند. چه انحرافی که کلیسا ایمان و امید مردم را با تعالیم نادرست بر باد دهد.

عرصه روشهای دنیوی

دومین عرصه‌ای که در آن ناراستی به بدن مسیح صدمه می‌زند، عرصه روشهای دنیوی است. پولس می‌فرماید: "دیگر همشکل این عصر مشوید، بلکه با نو شدن ذهن خود، دگرگون شوید" (رومیان ۱۲: ۲). روشهای دنیوی یعنی استفاده از روشهای این دنیا برای انجام کار خدا. افراد بسیاری هستند که نیتی نیک دارند و می‌خواهند شاهد رشد کلیسا باشند، اما بجای استفاده از روشهایی که کتاب مقدس تعلیم داده، از روشهای این دنیا استفاده می‌کنند. ممکن است کلیسا را مانند تجارت‌خانه‌ای خانوادگی اداره کنند، و روش حیات بدن‌گونه‌ای را که کلام خدا تعلیم می‌دهد، نادیده بگیرند. ممکن است کلیسا را با خرجی خودشان بچرخانند و هیچگاه تعلیم ندهند که ایمانداران دهیک بدهند. ممکن است خود را همچون یگانه مرجع تعلیم معرفی کنند، و هیچگاه از همقطاران خود نخواهند که درستی تعلیمشان را تأیید کنند. در کلیسا روشهای ناسالم بسیاری هست که همگی بی‌رحم هستند، زیرا ریشه ظریف ایمان را که روح‌القدس در دل افراد کاشته، از میان می‌برد.

در خصوص تعالیم نادرست و روشهای دنیوی در کلیسایان چه مقدار حس تشخیص دارید؟ پولس رسول به مشایخ کلیسای افسس هشدار داد و فرمود: "می‌دانم بعد از رفتنم، گرگهای درنده به میان شما خواهند آمد که به گله رحم نخواهند کرد. حتی از میان خود شما کسانی بر خواهند خاست و حقیقت را دگرگون خواهند کرد تا شاگردان را به پیروی خود، از راه به در کنند" (اعمال ۲۰: ۲۹-۳۰). در شماره‌های بعدی، به بررسی این نکته خواهیم پرداخت که چگونه می‌توانیم رهبری دانا و صاحب تشخیص باشیم.

کتاب مقدس و تربیت فرزند

بخش ششم: روش کتاب مقدس برای انضباط فرزند

نوشته کشیش تت استیوارت

«از طفل خود تأدیب را باز مدار» (امثال ۲۳: ۱۳).

کمتر پیش می‌آید که والدین در خصوص این امر مخالفتی ابراز کنند که گاه به گاه، تأدیب و انضباط فرزندان ضرورت دارد؛ آنچه که بیشتر مورد اختلاف است، چگونگی اجرای این تأدیب است. در بسیاری از مواقع، این موضوع حساس نه فقط موجب تنش میان والدین می‌شود، بلکه میان والدین و کلیسا نیز تنش بوجود می‌آورد. به همین دلیل، نیاز مبرمی احساس می‌شود که موضوع تأدیب فرزندان را در کتاب مقدس بررسی کنیم. در مقاله گذشته، بسیاری از روشهای دنیای خود را برای ایجاد تغییر در رفتار کودک بررسی کردم. اکنون مایلم تعلیم کلام خدا را در زمینه این موضوع حیاتی مورد بحث قرار دهم. من معتقدم که وقتی والدین روشهای الهی برای تأدیب فرزندان را با دقت بررسی کنند، نه فقط از روش خود اطمینان حاصل می‌کنند و آن را به فرزندشان منتقل می‌سازند، بلکه این امر سبب می‌شود که تنش میان خودشان (یعنی میان شوهر و زن) را از میان بردارند، تنشی که ناشی است از عدم برخورداری از نگرشی یکسان در خصوص تأدیب فرزندان.

هدف از تأدیب

هدف انضباط و تأدیب کتاب مقدسی این نیست که رفتار فرزندانمان را تغییر دهیم، بلکه تا مشکل دل آنها را حل کنیم. در امثال ۲۳: ۱۹ نصیحت پدری خدا ترس را می‌شنویم که می‌گوید: «پس تو ای پسرم بشنو و حکیم باش و دل خود را در طریق، مستقیم گردان.» حکمت روش زندگی است که بر پایه ترس خدا بنا شده است (امثال ۱: ۷) و از غیرت برای خدا ناشی می‌شود. امثال ۲۳: ۱۷ می‌فرماید: «دل تو به جهت گناهکاران غیور نباشد، اما به جهت ترس خداوند، تمامی روز غیور باش.» کلام خدا می‌فرماید که فرزندان ما وجدان دارند، یعنی در نهاد خود حس تشخیص درست از نادرست را دارند. والدین خدا ترس با چنین بینشی، باید بکوشند با وجدان فرزندانشان سخن بگویند. وقتی فرزند ما در تجربیات زندگی رشد می‌کند، برای کارهایی که می‌داند نادرست است احساس خطا خواهد کرد. اما اگر نداند که خدا راه آمرزش گناهان و پاک شدن از آنها را فراهم کردن، ممکن است دو واکنش خسارت‌بار نشان دهد. ممکن است برای رفتار بدش بهانه‌تراشی کند؛ و این همان کاری است که آدم کرد آن زمان که خدا گنااهش را توبیخ فرمود. او تقصیر را به گردن زن انداخت. یا ممکن است زیر بار سنگین احساس تقصیر خرد شود و بیش از حد خود را محکوم سازد. این اندوه همان است که پولس می‌فرماید: «اندوهی که برای خدا باشد، موجب توبه می‌باشد» (دوم قرنتیان ۷: ۱۰).

اگر فرزندان هنوز مسیح را نمی‌شناسد، مطمئن باشید که رفتار گناه‌آلودش یا باعث می‌شود که او در توجیه گناه خود به خودش و به دیگران خلاق‌تر شود، یا او را در احساس تقصیر غرق می‌سازد که چنین حالتی در او احساس بی‌ارزشی بوجود می‌آورد. هر دو این حالات می‌تواند کودک را به مرحله‌ای بکشاند که ایمان والدین خود را رها سازد.

توجیه امر به فرزندان

آنچه که در تربیت کودک بسیار مهم است، این است که از همان آغاز حقیقت را به او بگویید. فرزند خود را با معیارهای عادلانه خدا در کتاب مقدس آشنا کنید و به او راههای والا و مقدس خدا را نشان دهید. بسیاری از والدین می‌ترسند که فرزندشان در اثر این معیارهای والا یا احساس تقصیر کند یا سرخورده شود؛ از اینرو، راه آسان را انتخاب می‌کنند و انتظارات خود از فرزند را پایین می‌آورند. بجای پایین آوردن انتظارات که قطعاً خدا را خشنود نمی‌سازد، آنچه باعث جلال یافتن بیشتر خدا می‌شود این است که به فرزند خود بیاموزیم چگونه با قدرت روح القدس، زندگی عادلانه‌ای داشته باشد. بنابراین، تردیدی به خود راه ندهید که مقررات روشنی در خانه داشته باشید و به آنها پایبند باشید و از اینراه گناه فرزند خود را به او نشان دهید. اما وقتی گناه فرزند خود را به او نشان می‌دهید، حتماً به او توضیح دهید که خدا توسط خون مسیح راه درمان گناه را مهیا کرده، و او را هدایت کنید تا به حضور خدا رفته، گناهِش را اعتراف کند و آموزش الهی را دریافت دارد. وقتی به فرزندان کمک می‌کنید که با گناهکار بودن خود روبرو شود و به او می‌آموزید که وجدان خود را نزد خدا پاک سازد، در واقع به او طریق‌های حکمت الهی را تعلیم می‌دهید؛ آنگاه او به شما و به خدا نزدیکتر خواهد شد.

تأدیب بدنی

اکنون به موضوع استفاده از تأدیب بدنی می‌پردازیم. کتاب مقدس در این خصوص خیلی روشن سخن می‌گوید و مطالب بسیاری برای گفتن دارد. ”از طفل خود تأدیب را باز مدار که اگر او را با چوب بزنی نخواهد مرد؛ پس او را با چوب بزنی، و جان او را از هابویه نجات خواهی داد“ (امثال ۲۳: ۱۳ و ۱۴). وقتی آیات کتاب مقدس را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که تنبیه بدنی مجازات گناه نیست، و نباید وسیله‌ای باشد برای تخلیه خشم والدین، بلکه برای آن است که به کودک عواقب ناطاعتی و گناه را تعلیم دهد. ”حماقت در دل طفل بسته شده است، اما چوب تأدیب آن را از او دور خواهد کرد“ (امثال ۲۲: ۱۵). در این آیه می‌بینیم که دل کودک پر است از حماقت؛ منظور این است که در دل ما ترس خدا و میل به تسلیم به حاکمیت او نیست؛ و بجای آن، محرکی خودمحرورانه وجود دارد تا زندگی خود را تحت حاکمیت خواستها و ترسهای خود قرار دهیم. امثال ۲۹: ۱۵ می‌فرماید: ”چوب و تنبیه حکمت می‌بخشد، اما پسری که بی‌لگام باشد، مادر خود را خجل خواهد ساخت.“ در عبرانیان ۱۲: ۱۱ به‌گونه‌ای عمیق‌تر مفهوم تأدیب و تنبیه را مشاهده می‌کنیم؛ می‌فرماید: ”هیچ تأدیبی در حین انجام شدن خوشایند نیست، بلکه دردناک است. اما بعد، برای کسانی که به‌وسیله آن تربیت شده‌اند، میوه آرامش و پارسایی به بار می‌آورد.“ هدف تنبیه بدنی این است که به کودک بیاموزد که عدالت را دوست بدارد و اینکه آرامش ناشی از وجدانی پاک را به ارمغان بیاورد. تنبیه وقتی به‌درستی انجام شود، مسأله گناه را حل می‌کند و فرزند را به آغوش خدا و والدینش باز می‌گرداند.

استفاده درست از تأدیب بدنی

اجازه دهید بطور خلاصه، نظرم را راجع به روش درست استفاده از تنبیه بدنی شرح دهم. اول برای فرزند خود مشخص کنید چه نوع رفتارهایی تخطی از اصول مورد قبول خانواده به‌شمار می‌آید، مانند ناطاعتی مستقیم از والدین، حرفهای زشت، و زدن دیگران. وقتی کودک از آنچه که بروشنی تعلیم داده‌اید ناطاعتی کرد، او را به جای خلوتی ببرید و به او توضیح دهید که خدا می‌خواهد او را تأدیب کنید. بسیار مهم است که این کار را با خشم و با استفاده از کلمات تحقیرآمیز انجام ندهید، بلکه با محبت. استفاده از قاشق چوبی برای زدن به دست مناسب است؛ به این شکل، کودک از دستهای والدینش نخواهد ترسید، بلکه قاشق را ابزار تنبیه تلقی خواهد کرد. سه یا چهار ضربه بر پشت او معمولاً اشک او را در خواهد آورد و موجب پشیمانی‌اش خواهد شد. حالا وقت آن است که کودک را در آغوش بگیرید و به او بگویید که چقدر دوستش دارید و اینکه خدا حاضر است او را ببخشد و قدرت بدهد تا دیگر گناه نکند. اگر نسبت به فرزندان با خشم رفتار

کرده‌اید یا روحیه بدی به‌کار برده‌اید، بسیار مناسب است که از او عذرخواهی کنید و با یکدیگر مصالحه کنید. در بسیاری از خانواده‌ها، چند بار استفاده از این نوع تنبیه کافی است.

وقتی بچه‌های ما کوچک بودند، من فاشقی چوبی را به دیوار آشپزخانه‌مان آویخته بودم و هر گاه فرزندانمان رفتار بدی نشان می‌دادند، بعضی اوقات فقط کافی بود نگاهی به آن بیندازم تا مسیر وقایع را تغییر دهم.

گرچه برای بسیاری از والدین دشوار است که فرزند خود را تنبیه کنند، اما بدانید که این کار را با محبت انجام می‌دهیم. محبتی که تأدیب نمی‌کند، فقط نوعی احساس صرف است و هیچ شباهتی به محبتی که خدا در مسیح نمایان می‌سازد ندارد.

ترجمه‌های فارسی کتاب‌مقدس (از آغاز تا امروز)

تحقیق و نگارش: آرمان رشدی

در این مقاله، به معرفی ترجمه‌های مختلف کتاب‌مقدس به فارسی خواهیم پرداخت و به ترجمه‌هایی که در دوران‌های باستان صورت گرفته نیز اشاره خواهیم کرد.

تا قرن ۱۰ میلادی

پیش از آنکه به ترجمه‌های کهن کتاب‌مقدس به فارسی اشاره کنیم، تذکر این نکته ضروری است که زبان کلیسا در امپراطوریهای اشکانی و ساسانی و نیز در دوره اسلامی، همواره زبان سریانی بوده است. شاید از اینرو بوده باشد که کتاب‌مقدس بطور کامل هیچگاه به زبان فارسی میانه بر گردانده نشد. اما طبق شواهد موجود، می‌دانیم که دستکم بخشهایی از آن به فارسی میانه ترجمه شده بوده است. ذیلاً به اختصار از اهم این ترجمه‌ها نام می‌بریم.

نقل قولی موجود است از قرن چهارم میلادی از یوحنا زرین‌دهان (کریزوستوم) مبنی بر اینکه "تعالیم مسیح به زبانهای پارسیان ترجمه شده است." اما از آنجا که در امپراطوری روم مردمان ساکن در قلمرو امپراطوری ساسانیان را "پارسی" می‌نامیدند، حال آنکه برخی از آنان واقعاً سریانی بودند، مشخص نیست که منظور از "زبانهای پارسیان" واقعاً زبان پهلوی (فارسی میانه) بوده یا زبان متداول کلیسا در حکومت ایرانیان، یعنی سریانی.

"مزامیر پهلوی" نسخه‌ای است خطی شامل ترجمه مزامیر ۹۴-۹۹ و ۱۱۹-۱۳۶ از سریانی به فارسی میانه. این ترجمه در دوره‌ای بین قرن‌های چهارم تا ششم میلادی صورت گرفته است.

ترجمه‌ای از انجیل‌ها و رسالات پولس و مزامیر به زبان سُغدی (یکی از زبانهای ایرانی متداول در آسیای مرکزی) به دست آمده که احتمالاً مربوط به سده‌های ۶ تا ۹ میلادی می‌باشد.

در یک اثر زرتشتی به نام "شکند گوماتیک ویچار" (یعنی "توضیحات رفع‌کننده شک") متعلق به قرن نهم میلادی، نقل‌قول‌هایی به فارسی میانه از کتاب‌مقدس به عمل آمده است. این امر می‌تواند حاکی از این باشد که لااقل بخشهایی از کتاب‌مقدس در این زمان به فارسی میانه ترجمه شده بوده است.

قرن‌های ۱۱ تا ۱۸

در قرن ۱۳، ترکیب چهار انجیل به دست اوئیس عزالدین محمد بن مظفر از سریانی به فارسی ترجمه شد. این اثر گرچه ادعا می‌کند که ترجمه دیاتسارون تاتیان است، اما ترجمه دقیق آن نیست. نسخه خطی که از این ترجمه موجود است، مربوط به سال ۱۵۴۷ می‌باشد که توسط ابراهیم بن شمس عبدالله، یک کشیش یعقوبی رونویسی شده و اکنون در کتابخانه لورانتیان در فلورانس (ایتالیا) نگهداری می‌شود. در این دوره طولانی، بخشهایی از کتابمقدس به فارسی برگردانده شد که عمدتاً شامل تورات، برخی از کتب انبیا، تمام یا بخشهایی از مزامیر، یک یا هر چهار انجیل می‌باشد.

اناجیل و رسالات در سال ۱۸۱۲ توسط پدر لئوپولد سباستیانی، رئیس میسیون کاتولیک در ایران و قندها ترجمه شد و یک بار در کلکته و بار دیگر در سال ۱۸۱۳ توسط انجمن کتابمقدس بریتانیا و خارج (British and Foreign Bible Society- BFBS) منتشر گردید.

قرن ۱۹ تا به امروز

نخستین ترجمه عهدجدید

در سال ۱۸۱۲، کشیش هنری مارتین با مساعدت میرزا سید علی خان شیرازی، عهدجدید را از یونانی و مزامیر را از عبری به فارسی برگرداند. ترجمه عهدجدید در سالهای ۱۸۱۴ و ۱۸۱۵ توسط انجمن کتابمقدس روسیه در سنت‌پترزبورگ به چاپ رسید. در سال ۱۸۱۶، انجمن کتابمقدس بریتانیا و خارج، عهدجدید و مزامیر را یکجا به طبع رسانید. این نخستین رجمه کامل عهدجدید به فارسی در تمام طول تاریخ مسیحیت می‌باشد.

نخستین کتابمقدس فارسی

کشیش ویلیان گلن، میسیونر اعزامی از سوی "هیأت مرسلین اسکاتلند" به کمک میرزا جعفر، ترجمه عهدعتیق را در سال ۱۸۴۵ تکمیل کرد. این ترجمه همراه با ترجمه هنری مارتین از عهدجدید، به سال ۱۸۴۶ توسط انجمن کتابمقدس بریتانیا و خارج به چاپ رسید. این نخستین ترجمه کامل کتابمقدس به فارسی می‌باشد. این ترجمه چند سال پیش به همت بنگاه انتشارات طهوری در ایران تجدید چاپ شد.

دومین کتابمقدس فارسی:

"ترجمه قدیمی"

در سال ۱۸۸۲، کشیش رابرت بروس از "انجمن تبشیر مسیحی" (CMS) با همکاری انجمن کتابمقدس بریتانیا و خارج، و با مساعدت کاراپت اوئانس اهل جلفا، ترجمه هنری مارتین از عهدجدید را مورد ویرایش قرار داد و رسالات پولس را کلاً از نو ترجمه کرد. رابرت بروس به کمک دیگران از جمله کشیش جیمز باسیت، ترجمه ویلیان گلن از عهدعتیق را نیز مورد ویرایش و تجدید نظر قرار داد و آن را به همراه ویرایش خود از عهدجدید، به سال ۱۸۹۵ به همت انجمن کتابمقدس بریتانیا و خارج منتشر نمود. این ترجمه که به "ترجمه قدیمی فارسی" معروف است، هنوز نیز متن رسمی کلیساهای فارسی‌زبان می‌باشد و نزد اهل ادب محبوبیتی فراوان دارد.

این ترجمه حالتی تحت‌اللفظی دارد و کوشیده متن اصلی عبری و آرامی و یونانی را عیناً به فارسی بر گرداند. به همین جهت، گاه درک آن برای غیر اهل فن دشوار می‌نماید. اما درست به همین دلیل که این ترجمه منعکس‌کننده تمام پیچیدگیهای متن اصلی است، برای مطالعات جدی کتابمقدس مناسب است، گرچه زبان به‌کاررفته در آن دیگر کمی قدیمی به‌نظر می‌آید.

مژده برای عصر جدید (انجیل شریف)

در سال ۱۹۷۶، انجمن کتابمقدس ایران، این ترجمه جدید از عهدجدید را منتشر ساخت. این ترجمه از متن انگلیسی و یونانی توسط دکتر شمس اسحاق و کشیش ادوین یگر از میسیون آمریکایی صورت گرفت و ویرایش آن را لونیس جانسن و کشیش مهدی عبهری از کلیسای پرزبیتی ایران بر عهده داشتند.

گروهی از دست‌اندرکاران و متخصصین امر در حال حاضر مشغول آماده‌سازی ترجمه عهدعتیق هستند و امید است بزودی ترجمه عهدعتیق همراه با ترجمه عهدجدید یکجا انتشار یابد.

این ترجمه حالت تحت‌اللفظی ندارد و هدفش آن است که پیام کتابمقدس را به سبکی روان و زبانی ساده ارائه دهد تا حتی افرادی که تحصیلات پیشرفته ندارند، بتوانند از آن بهره‌مند شوند. به همین دلیل، این ترجمه با این هدف تهیه نشده که نیازهای ناشی از مطالعات جدی متن کتابمقدس نظیر بررسی کلمات و اصطلاحات و ساختار جملات دقیق متن اصلی (یا به اصطلاح فنی: Bible study) را برآورده سازد.

ترجمه تفسیری کتابمقدس

در سال ۱۹۷۹ ترجمه تفسیر عهدجدید به شیوه کتابمقدس انگلیسی Living Bible به همت کشیش سارو خاچیکیان انتشار یافت. ویژگی این ترجمه این است که در آن، علاوه بر استفاده از زبان ساده فارسی، متن با حالتی تشریحی و تفسیری ارائه شده است. پس از تکمیل ترجمه تفسیری عهدعتیق و تجدید نظر در متن عهدجدید آن، ترجمه تفسیری تمام کتابمقدس در سال ۱۹۹۵ توسط انجمن بین‌المللی کتابمقدس (International Bible Society- IBS) به چاپ رسید. این ترجمه با ویرایشی جدید در سال ۲۰۰۰ مجدداً به چاپ رسید.

ترجمه تفسیری کتابمقدس، چه به انگلیسی و چه به فارسی، با این هدف منتشر شده که مردم غیر اهل فن بتوانند پیام کتابمقدس را به زبانی ساده و بدور از پیچیدگیهای متن اصلی بخوانند. مطالعه کتابمقدس از روی این ترجمه به درک متن اصلی کمک می‌کند، اما همانطور که از عنوانش پیدا است، مانند ترجمه مژده، هدفش این نیست که نیازهای ناشی از مطالعات جدی کتابمقدس را برآورده سازد.

ترجمه عهدجدید هزاره نو

در سال ۲۰۰۳ ترجمه جدیدی از عهدجدید به‌نام ترجمه هزاره نو به همت موسسه ایلام به چاپ رسید. این موسسه در حال حاضر مشغول ترجمه عهدعتیق می‌باشد که امید می‌رود در سالهای آینده آماده نشر گردد.

خصوصیت این ترجمه این است که در ضمن تلاش به وفاداری به متن اصلی، به زبان امروزی است و سبک سنگین و زیبایی دارد. این ترجمه برای مطالعات جدی کتابمقدس مناسب است.



از هر انگشت شبان ... !!!

به قلم: کشیش نینوس مقدس‌نیا
(کلیسای انجیلی ایران)

بخش دوم: تاریخ کلیسا: ثبت ادامه کار خدا

در این مجموعه مقالات، سعی بر این خواهد بود که هر جا برای هر موضوعی، اگر معادل مسیحی آن هم باشد، به آن پرداخته شود. پس از بررسی تاریخ جهان، لازم است نگاهی مختصر به تاریخ کلیسا هم داشته باشیم؛ همان طور که در آینده، پس از پرداختن مختصر به فلسفه جهان، نگاهی به الهیات مسیحی هم خواهیم داشت.

اهمیت تاریخ کلیسا

درس «تاریخ کلیسا»، از نظر من، مهمترین درس دوره الهیات، پس از بررسی عهد عتیق و عهد جدید است. شاید بسیاری با این نظر من موافق نباشند و مباحث الهیاتی یا دروس عملی همچون فن شبانی و فن تدریس را مهمتر بدانند، اما مطالعه تاریخ کلیسا در واقع آشنایی با تدوام کار خدا در دنیا و در میان قوم خود کلیسا، پس از خاتمه دوره الهام کلام مکتوب اوست. تاریخ کلیسا، ادامه کتاب مقدس است. متأسفانه، این روزها خادمان جوان کمتر اهمیتی به تاریخ کلیسا می‌دهند. برای اغلب کسانی که مشغول گذراندن دروس الهیات‌اند، کلاس‌های تاریخ کلیسا ساعات خسته‌کننده‌ای هستند که بالاخره باید به نحوی تحمل‌شان کرد! گاهی بعضی از واعظان بی‌اطلاع از تاریخ کلیسا، خصوصاً آنانی که معروف و تلویزیونی هم هستند، به قدری ناآگاهانه و ناشیانه حرف می‌زنند (عامیانه‌تر بگوییم، چاخان می‌کنند!) انگار که اصلاً نشنیده‌اند که مشابه همین حرفها و حدیثها را بدعتکاران قدیمی هم بر زبان آورده‌اند. بله، به قول معروف، «چنین نبوده و چنین نیز نخواهد ماند!»

تاریخ کلیسا

تمامی تاریخ از نظر ایمان مسیحی، تاریخ خدا است. تاریخ، دارای هدفی است و به سوی مقصدی پیش می‌رود. تاریخ، آغاز و انجالی دارد. شاید از نگاه عموم، هر واقعه‌ای مجزا و بدون ارتباط با کل ماجرا اتفاق بیفتد، اما از نظر ما، هر اتفاق جایی خاص در نقشه الهی دارد و همه چیز در میان «در ابتدا خدا» و «به زودی می‌آیم»، قرار گرفته است.

تاریخ کلیسا عبارت است از تاریخ قوم خدا بر زمین. ابتدای کار تا آخر قرن اول میلادی را در کتاب مقدس می‌توان یافت. پس از آن را باید در کتابهای تاریخ کلیسا جستجو کرد. ایمان ما این است که روح القدس در هیچ دوره‌ای خود را بدون شاهد نگذاشته است و کلیسای مقدس جامع و جهانی، نقش مؤثری در طول تاریخ بشر داشته و دارد. با مطالعه تاریخ کلیسا، از میراث بزرگ گذشته‌مان آگاه می‌شویم، بسیاری از مسائل و مشکلات کنونی را بهتر ریشه‌یابی و درک می‌کنیم، و آینده را با عبرت گرفتن از اشتباهات گذشته کلیسا، بهتر می‌سازیم.

دوره‌های تاریخ کلیسا

معمولاً تاریخ کلیسا را به سه دوره قدیم، میانه، و جدید تقسیم می‌کنند. تاریخ کلیسای قدیم با بررسی زمینه‌های ورود مسیح به تاریخ بشر آغاز می‌شود و پس از مطالعه دوره اناجیل و اعمال رسولان، گسترش فعالیت‌های بشارتی و جفاها، و ظهور اولین بدعتها، بالاخره با مسیحی شدن قسطنطین و سقوط امپراتوری روم در اوایل قرن پنجم پایان می‌پذیرد. تاریخ کلیسای میانه، قرون وسطی را (از قرن پنجم تا پانزدهم) در بر می‌گیرد و به بحث درباره ظهور حکومت پاپها، مسیحی شدن تدریجی تمام اروپا، آغاز و رشد رهبانیت، اختلاف و جدایی کلیساهای شرق و غرب، جنگ‌های صلیبی، ظهور پیشگامان اصلاح‌طلبی کلیسایی و مقابله کلیسا از طریق تفتیش عقاید می‌پردازد. آغازگر تاریخ کلیسای جدید، خیزش نهضت پروتستان ر قرن شانزدهم است و ادامه آن، وقایعی است که از آن زمان تا کنون در فعالیت‌های بشارتی همه کلیساها در جهان، و نیز در بیداریهای روحانی، تأسیس سازمانهای برجسته مسیحی و ظهور شخصیت‌های کم‌نظیر کلیسایی، بر تاریخ پُر آشوب جهان مدرن انسان‌گرا و انقلابی اثری پایدار برجا گذاشته است.

جدایی‌های کلیسایی

از نکات مهمی که لازم است راجع به آنها اطلاعات کافی و صحیحی داشته باشیم، مسأله تفرقه کلیسایی است. در دو هزار سال گذشته، تقریباً در هر پنج قرن، کلیسا دچار تفرقه و جدایی شده و از این راه، لطمه جبران‌ناپذیری را متحمل شده است.

۱ - جدایی کلیساهای شرقی (قرن پنجم میلادی): کلیسا که از قرن دوم به بعد «کاتولیک» به معنی جامع و جهانی نامیده می‌شد، پس از رسمیت یافتن و استقرار در امپراتوری روم، با وظیفه خطیر خود مبنی بر صیانت از ایمان راستین و مقابله با تعالیم غلط مواجه شد. در قرن پنجم، دو ایده متقابل که از دو مکتب متضاد انطاکیه و اسکندریه برخاسته بودند، کلیسا را بر سر مسأله الوهیت و انسانیت مسیح و رابطه میان این دو طبیعت در او، به چالشی جدی کشاندند. شورای افسس (۴۳۱ م.) نستوریوس و تعالیم دیوفیزیستی او را که حاکی از تمایز کامل دو طبیعت الهی و انسانی مسیح و تأکید بیشتر بر انسانیت او بود، مردود اعلام کرد؛ و شورای کالسدون (۴۵۱ م.) هم اقبیخس و تعالیم مونوفیزیستی او را که بر الوهیت مسیح تأکید بیشتر داشت و انسانیت او را در الوهیتش حل شده می‌دانست. بدین ترتیب، تمام کلیساهای خاورمیانه از بدنه اصلی کلیسا که هنوز، متحداً هم کاتولیک و هم ارتودکس بود، جدا ماندند و بعدها با حاکمیت اسلام، بیشتر تضعیف شدند. با نستوری شدن کلیسای ایران در ۴۸۱ م. کلّ کلیسای شرق در امپراتوری پارس و ورای آن تا خاور دور، از سوی مسیحیت غرب تکفیر شد. کلیساهای قبطی (در مصر و حبشه)، یعقوبی (در سوریه) و گریگوری (در ارمنستان) هم مونوفیزیت شدند. این کلیساها امروزه «ارتودکس غیر کالسدونی» نامیده می‌شوند، حال آنکه کلیسای شرق (آشوری) مدتهاست خواهان برداشته شدن نام تحمیلی نستوری از خود و بازگشت به جامعه جهانی مسیحی است. این اقدامات، تا حدّی با پذیرش کلیسای کاتولیک رومی و امضای تفاهنامه میان پاپ و پاتریارک مثر ثمر بوده، هر چند مونوفیزیتها که از تعداد و موقعیت بهتری برخوردارند، همچنان مُصرّانه خواهان انزوای این کلیسا هستند.

۲ - جدایی کلیساهای ارتودکس و کاتولیک (قرن یازدهم میلادی): در قرون اولیه مسیحی، اسقفان دو پایتخت امپراتوری، یعنی روم و قسطنطنیه، همراه با اسقفان اورشلیم، انطاکیه و اسکندریه، مقامات برتر کلیسای مسیحی محسوب می‌شدند. با سقوط روم غربی به دست اقوام نیمه‌تمدن شمال اروپا در اوایل قرن پنجم، هیچ سازمان و تشکیلات حکومتی و نظامی در اروپا باقی نماند. بدین ترتیب، اسقف روم تنها مقامی بود که توانست تشکیلات کلیسایی خود را حفظ کند و به تدریج، رتق و فتق امور دنیوی اروپای بحران‌زده را هم وظفه خود بداند. این اختیارات وسیع و نامحدود باعث شد که وی خود را پاپ و رهبر تمام کلیسای جهانی بنامد، حال آنکه چهار اسقف شهرهای مهم دیگر که در امپراتوری روم شرقی همچنان تحت نظر امپراتور و جزئی از نظام اجتماعی حاکم بودند، برتری اسقف روم را بر خود نمی‌توانستند بپذیرند و زیر بار نمی‌رفتند چرا که خود را «ارتودکس» یعنی صاحب تعلیم صحیح می‌دانستند. این کشمکش‌ها چند قرن ادامه داشت تا اینکه در قرن یازدهم به اوج خود رسید و در سال ۱۰۵۴ م. جدایی بزرگ میان کلیسای کاتولیک به مرکزیت روم و کلیسای ارتودکس به مرکزیت قسطنطنیه، جهان مسیحیت را به دو بخش بزرگ تقسیم کرد. با ملاقات پاپ پل ششم و پاتریارک آناگوراس در استانبول در سال ۱۹۷۶، تکفیرنامه‌ها پس گرفته شد و رابطه‌ها ظاهراً دوستانه شد؛ اما رقابت‌ها و سوءتفاهمات میان کلیسای جهانی کاتولیک در جنوب اروپا، آمریکای جنوبی، فیلیپین و هند در آسیا و چند کشور آفریقایی، و کلیساهای ملی ارتودکس در اروپای شرقی و سایر نواحی جهان، همچنان ادامه دارد.

۳ - جدایی کلیساهای پروتستان (قرن شانزدهم میلادی): حاکمیت بعضاً ناسالم کلیسا بر تمام شئون زندگی بشر در اروپا، گهگاه اعتراضاتی را به همراه داشت. اما تا زمان مارتین لوتر، کلیسا توانسته بود هر اعتراض و حرکتی را در نطفه خاموش کند. در ۱۵۱۷ م. شرایط به گونه‌ای مهیا بود که جرقه‌ای که لوتر با الصاق اعتراض ۹۵ ماده‌ای خود بر در کلیسای ویتمبرگ زد، به سوئیس و انگلستان هم سرایت کرد و چیزی نگذشت که تمام اروپا را شعله‌ور ساخت. هدف مصلحان کلیسا، ایجاد کلیسایی جدید نبود، بلکه بر عکس، مایل بودند به الگوی کلیسای اولیه مذکور در عهد جدید، یعنی دوران مسیح و رسولان بازگردند، و کلیسا را از زوایدی که در طی قرون به آن افزوده شده بود، پاک سازند. اکنون حدود پانصد سال از آن زمان می‌گذرد و نمی‌دانیم آیا باید منتظر شقاق بزرگ دیگری باشیم، و یا «بقیه وفادار» در کلیسا، پیش از ظهور خداوند و داماد آسمانی خود، متحدتر و با درک و همکاری متقابل بیشتر، در دنیا عمل خواهد کرد.

زشت و زیبا در تاریخ کلیسا

یکی از کارهایی که از پاپ ژان پل دوم فقید، چهره‌ای ماندگار در تاریخ ساخت، توضاع او بود که پیش از سال دو هزار و آغاز هزاره سوم، بارها با فروتنی کم‌نظیری اعلام کرد که کلیسا باید اشتباهات خود را بپذیرد و از آنها توبه کند.

صفحات تاریک در تاریخ کلیسا، متأسفانه کم نیست. بدعت‌های درونی و اختلافات داخلی کلیسا، بارها کار را به جنگ‌های طولانی بین ملت‌ها کشاند و بسیاری کشته شدند، بدون آنکه بدانند اصل و ماهیت لهیاتی بحث و دعوا بر سر چیست! جنگ‌های سی ساله میان کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها در اروپا از ۱۶۱۸ تا ۱۶۴۸ یک نمونه از این است. در دنیا، کلیسا که می‌بایست منادی محبت خدا و نجات در مسیح می‌بود، با به راه انداختن جنگ‌های صلیبی لکه سیاه دیگری در پرونده خود باقی گذاشت. در هشت جنگ صلیبی که از ۱۰۹۵ م. آغاز و تا دویست سال بعد ادامه داشت، فجایعی اتفاق افتاد که بیش از همه به موقعیت و اعتبار خود مسیحیان لطمه زد. انکیزسیون یا تفتیش عقاید را هم که هیچ کس فراموش نمی‌کند و هر از چند گاهی خاطره تلخ آن را به یاد کلیسا و مسیحیت می‌آورند.

وظیفه ما دفاع از اشتباهات کلیسا نیست، بلکه باید منصفانه آنها را ببذیریم، به آنها اعتراف کنیم، و در جبران آنها بکوشیم. خوشبختانه این افتخار را داریم که در مسیحیت و کلیسای اولیه، هیچ توجیهی برای بعضی اعمال ننگین کلیسا و روحانیانش در قرون بعدی وجود ندارد. نه مسیح و نه شاگردانش، هرگز نمی‌توانند تأییدی بر خطاهای بعدی کلیسا باشند و هرگز نمی‌توان برای توجیه اعمال ناشایست بعضی مسیحیان در قرون بعدی، به عهد جدید استناد کرد. يك نکته را هم نباید فراموش کرد که مجازات سیصد هزار نفر طی سیصد سال انگلیزیسیون قرون وسطایی، با کشتار ده میلیون نفر در شوروی فقط در دهه ۱۹۳۰، قابل مقایسه نیست. اگر کشیشان ناآگاه و خرافاتی، بر خلاف مبانی ایمان مسیحی خود چنان ظلم می‌کردند، مجریان نظریات فلسفی مارکس که مدعی روشنفکری و تجدد بودند، چرا مرتکب آن جنایات شدند؟ ایده‌های ناسیونال سوسیالیستی هیتلر در نیمه قرن بیستم، با اتکا بر افکار و عقاید هگل و نیچه، باعث جنگ جهانی دوم و مرگ لاقفل پنجاه میلیون نفر شد. «جرالد پرست‌لند»، تاریخدان مسیحی، اظهار داشته: «کلیسا یعنی مردم، مردم جایز الخطا و گناهکار؛ و اگر از سایر مؤسسات بشری بهتر نیست، مطمئناً بدتر هم نیست... می‌پذیرم که کلیسا هم گهگاه دچار اشتباهات وحشتناکی شده، با این حال شك داریم که کلیسا در طول تاریخ، بیشتر از ناسیونالیسم، ماتریالیسم، استعمار، کمونیسم، فاشیسم، نظامی‌گری و بی‌اعتنایی بشر به بحران‌های جهانی، به این دنیا لطمه زده باشد.»

و من اعتقاد راسخ دارم که کلیسا بیش از هر سازمان و تشکیلات دیگری در این دنیا، به بشریت خدمت کرده است. چندی پیش از پایان قرن بیستم، مجله «مسیحیت امروزه» (Christianity Today) فهرستی ارائه کرده بود از «صد کار درستی که کلیسا در جهان انجام می‌دهد». اعضای کلیسا و مسیحیان حقیقی در طول تاریخ و خصوصاً در حال حاضر، علاوه بر اعلام مژده نجات‌بخش انجیل که وظیفه اصلی‌شان است، همواره به رسیدگی به فقیران و بیماران و معلولان، خدمت به جوانان و سالمندان و طبقات محروم، تلاش در جهت برقراری صلح در جهان، و فدای جان و مال در دورافتاده‌ترین نقاط این کره خاکی پرداخته‌اند. هر خدمتی را هم که اکنون دولت‌ها به زندانیان و جذامیان و نابینایان و بی‌سوادان و ... انجام می‌دهند، اگر ریشه‌یابی کنیم، می‌بینیم که صد یا صد و پنجاه سال پیش توسط مسیحیان آغاز شده است.

چهره‌های ماندگار

در تاریخ کلیسا لازم است با شخصیت‌های بسیاری آشنا شویم. پدران کلیسا، یعنی شاگردان رسولان مسیح و شاگردان آنها، تأثیر بسیاری بر کلیسا و بر ما داشته‌اند. در اینجا مجالی برای پرداختن به آنها نیست، اما برای هر خادم خدا مهم است که کلمنت روم، ایگناتیوس، پولیکارپ، ژوستین شهید، ترتولیان، اوریجن، و مخصوصاً آگوستین را بشناسد و مطالعاتی درباره آنها داشته باشد. اوسیبوس (پدر تاریخ کلیسا)، امبروز (پدر موسیقی کلیسایی)، پاپ گریگوری کبیر، فرانسیس اسپسی، توماس اکویناس، توماس آ. کمپیس، ویکلیف، تیندل، لوتر، کالون، ایگناتیوس لویولا و جان وسلی را هم نباید از یاد برد.

در مجله «تاریخ مسیحی» (Christian History) شماره ۶۵، ده شخصیت برجسته کلیسا در قرن بیستم، به این ترتیب معرفی شده بودند: بیلی گراهام (مبشر معروف مسیحی)، ویلیام سیمور (بنیانگذار کلیسای پنطیکاستی)، مادر ترزا (راهبه فداکار کاتولیک)، کارل بارت (الیه‌دان پروتستان سوئیسی)، سی. سی. اس. لوتیس (نویسنده و مدافع ایمان مسیحی)، پاپ جان بیست و سوم (آغازگر دوره جدیدی در کیسای کاتولیک با شورای واتیکان دوم)، الکساندر سولژنیتسین (نویسنده و معترض مسیحی روسی)، پاپ ژان پل دوم (شخصیتی تأثیرگذار در جهان)، جان ر. مات (مبشر و شخصیت فعال در امور بین‌کلیسایی جهان)، و مارتین لوتر کینگ (مدافع حقوق سیاه‌پوستان).

حیف که فرصتی نیست تا به تاریخ کلیسای ایران هم گریزی داشته باشیم و از شخصیت‌های آن یادی نکنیم. اما می‌توانید با مراجعه به بعضی کتب معرفی شده در ذیل، اطلاعات لازم را کسب کنید.

- (۱) - ، اسناد و مباحثی درباره تاریخ کلیسای شرق (سه جلد)، کانون یوحنا رسول، تهران، بی‌تا.
- (۲) تجدد، نهال. نورآوران، ترجمه میترا معصومی، نشر علم، چاپ اول، ۱۳۸۲، تهران.
- (۳) دهقانی تفتی، ح. ب. (۱۹۹۲)، مسیح و مسیحیت نزد ایرانیان (جلد اول - سیر اجمالی در تاریخ)، کتابهای «سهراب»، لندن.
- (۴) کاکس، هاروی. مسیحیت، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۸، قم.
- (۵) کرنز، ارل. (۱۹۸۱)، سرگذشت مسیحیت در طول تاریخ (جلد اول)، ترجمه آرمان رشدی، آموزشگاه کتاب مقدس کلیسای جماعت ربانی، ۱۹۹۴، تهران.
- (۶) مک‌گراث، آلیستر. مقدمه‌ای بر تفکر نهضت اصلاح دینی، ترجمه بهروز حدادی، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، چاپ اول، ۱۳۸۲، قم.
- (۷) میلر، ویلیام م. (۱۹۳۱)، تاریخ کلیسای قدیم در امپراتوری روم و ایران، ترجمه علی نخستین، چاپ اول انتشارات اساطیر، ۱۳۸۲، تهران.
- (۸) نفیسی، استاد سعید. (۱۳۴۲)، مسیحیت در ایران (تا صدر اسلام)، به اهتمام عبدالکریم جریزه‌دار، چاپ اول انتشارات اساطیر، ۱۳۸۳، تهران.
- (۹) هیوز، فیلیپ. (۱۹۷۸)، تاریخچه کلیسای کاتولیک، کانون یوحنا رسول، تهران، بی‌تا.
- (۱۰) هیو مافت، ساموئل. (۱۹۹۸)، تاریخ مسیحیت در آسیا، کانون یوحنا رسول، تهران، بی‌تا.